

واکاوی برجسته‌ترین جلوه‌های تشابه محتوایی و لفظی آیات قرآن و دعای ندبه

مهیارخانی مقدم^۱

چکیده

از جمله مطالعات معتابه در فهم عمیق‌تر از تأثیر و تأثرهای متون بر یکدیگر؛ «تحلیل ارتباط‌های پیدا و پنهان» آن‌هاست. این امر در زمینه مطالعات دینی، زمینه‌ساز افزایش افق اندیشه‌ای مخاطب در غنابخشی به نگرش او در مورد خاستگاه الهی آن متون و آموزه‌ها است. پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی به واکاوی ارتباط‌های پیدا و پنهان میان «قرآن» و «دعای ندبه»، در جهت تبیین برجسته‌ترین جلوه‌های تشابه محتوایی و لفظی آن دو پرداخته است. فرایند اجرایی پژوهش بر خوانش و استخراج ساختارمند مؤلفه‌های «متن حاضر» (دعای ندبه) و «متن پنهان» (قرآن) بر مبنای معیارها و الگوهای مطالعات بینامتنی (از رویکردهای مهم در علم نشانه‌شناسی) استوار است و بر آن اساس، انواع روابط بینامتنی میان دعای ندبه و قرآن کریم، مانند بینامتنی ترکیبی، واژگانی، مضمونی و شخصیت‌های قرآنی، با ذکر سه نمونه برای هر یک بررسی شده است. نتایج پژوهش گویای آن است که اهل بیت علیهم‌السلام همواره بر آموزه‌های قرآنی (لفظ و محتوا) عنایت داشته و در دعای ندبه نیز امام معصوم علاوه بر الفاظ قرآن کریم، از محتوای آیات بهره‌های فراوان برده‌اند.

واژگان کلیدی: قرآن، دعای ندبه، بینامتنی ترکیبی، بینامتنی واژگانی، بینامتنی مضمونی، بینامتنی شخصیت‌های قرآنی.

در دنیای معاصر، افزایش تعامل به منظور دستیابی به افق‌های جدید فکری و تعمیق شناخت از روابط انسان‌ها، متون و سایر مؤلفه‌ها، نمود بارزی دارد. با پیشرفت علمی مانند نشانه‌شناسی، فهم عمیق‌تری از روابط میان متون مختلف، ایجاد شده و مخاطبان، به ابزار توانمندی به‌منظور تحلیل نشانه‌های زبانی، مجهز شده‌اند. از مباحث مهم در نشانه‌شناسی - با کارکرد قابل تأمل در حوزه مطالعات دینی - «نظریه بینامتنیت» است که بر اساس آن، محتوای هر متن بر مبنای متون همسوی خود در زمان گذشته یا معاصر، شکل می‌گیرد.

دعای ندبه، نقل شده در آثاری مانند «مزار» (ابن مشهدی، ۱۴۰۹: ص ۵۷۳)؛ «قیال الأعمال» (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۲۹۵) و «بحار الانوار» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۹، ص ۱۰۴)؛ از جمله دعا‌های برجسته مرتبط با امام زمان علیه السلام است. بر اساس بررسی رجالی راویان سند این دعا، «محمد بن جعفر مشهدی»، محدث و فاضلی جلیل القدر (حر عاملی، ۱۳۶۲: ج ۲، ص ۲۵۲) و «محمد بن ابی قرة»، فردی «ثقه» (حلی، ۱۳۴۲: ص ۳۲۷) و دارای روایات و آثار متعدد است (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۳۹۸). همچنین «محمد بن الحسین البرزوقری»، به رغم عدم تصریح به توثیق خاصش، از شاگردان شیخ کلینی (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱، ص ۷۱) بوده و به دلیل قرار گرفتن در سلسله اسناد صحیح، می‌تواند مورد اعتماد قرار گیرد (مامقانی، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۲۷۳). همچنین به دلیل طلب رحمت توسط شیخ طوسی - از صاحبان آثار رجالی متقدم - برای او (طوسی، ۱۴۱۴: ص ۵۶)؛ می‌تواند مورد وثاقت باشد (مازندرانی حائری، ۱۴۱۶: ج ۱، ص ۹۴). از همه مهم‌تر آن که وی از مشایخ شیخ مفید بوده (خویی، ۱۴۱۰: ج ۱۵، ص ۲۹۰) و شیخ مفید از وی روایات متعددی نقل کرده است و این، در حالی است که با روایات متعدد و شهرتی که از او به جای مانده، اگر رجال‌شناسان متقدم و متأخر، در وثاقت و شخصیت وی نقصی سراغ داشتند، بیان می‌کردند؛ زیرا روایت کردن متعدد ثقات از شخص، اصولاً گویای این مطلب است که وی، حسن ظاهر داشته، یا شیخ اجازه بوده و یا کثیر الروایة بوده است (رحمان ستایش، ۱۳۵۸: ص ۲۰۸). علامه مجلسی، دعای ندبه را به امام صادق علیه السلام منتسب می‌داند (مجلسی، ۱۴۲۳: ص ۳۰۳) و می‌توان با توجه با قراینی چون سفارش به خواندن آن در ایام خاص (چهار عید) که این سفارش به صورت معمول تنها از جانب معصومان علیهم السلام صادر می‌شده است و نیز مضامین و عبارات والای آن؛ مأثور بودن دعای ندبه

از جانب معصوم علیه السلام را معتنابه و قابل تأیید می‌سازد.

افق کلان پژوهش حاضر درباره ارتباط قرآن و سنت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بر فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث شریف ثقلین (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۳۴) مبتنی است که گویای ارتباط تنگاتنگ میان قرآن و عترت علیهم السلام است. بدین‌رو، پژوهش حاضر در جهت این نظرگاه، به واکاوی برجسته‌ترین جلوه‌های تشابه محتوایی و لفظی آیات قرآن و دعای ندبه، براساس روابط بینامتنی می‌پردازد.

تتبع نگارنده در زمینه پیشینه پژوهش، نشان می‌دهد با این‌که در ادبیات عرب، اصطلاحاتی مانند تلمیح و تضمین وجود دارد؛ اصطلاح «تناس» بینامتنیت، به رغم شباهت‌های بسیار در محتوا و عمل، با دو اصطلاح پیش‌گفته چارچوب جدید و ساختارمندی برای مباحث پیشین فراهم کرده که می‌تواند آموزه‌های گذشته را در قالبی نو و روزآمد، برای بیان نتایج خرد و کلان، سامان دهد. به رغم تلاش محققان گرانقدر در انتشار مقالاتی در زمینه بینامتنیت میان قرآن و متون دینی مانند خطبه‌های نهج‌البلاغه (مسبوق، ۱۳۹۲: ش ۲۰، ص ۲۰۵-۲۲۴)، دعا‌های صحیفه سجادیه (محققیان و ستوده‌نیا، ۱۳۹۵: ش ۹، ص ۲۱-۳۶)، دعا‌های صحیفه رضویه (مختاری و محبی، ۱۳۹۳: ش ۲۰، ص ۸۳-۹۹) و خطبه فدک (لنگرودی و فتاحی‌زاده، ۱۳۹۵: ش ۲۲، ص ۹۵-۱۳۲)، تاکنون اثری پیرامون بینامتنیت قرآن و دعای ندبه در مجلات معتبر علمی به چاپ نرسیده است. بدین‌رو، پژوهش حاضر با این نگرش و نگارش، دارای نوآوری است.

روش پژوهش

نگارنده ابتدا با مطالعه کتاب‌ها و مقالات مرتبط با مسئله بینامتنیت، انواع ساختارهای پیشنهادی برای تحلیل مطالب با این نوع نگرش را بررسی کرده و الگویی کارآمد مبتنی بر چهار گونه کلی روابط بینامتنی «ترکیبی»، «واژگانی»، «مضمونی» و «شخصیت‌های قرآنی»، را به عنوان ساختار مبنا قرار داده است. برای سنجش میزان کارایی این ساختار مبنا، مقالات موجود در زمینه بینامتنیت میان قرآن و متون دینی نیز مورد مطالعه قرار گرفت. سپس با مطالعه چندباره تمامی عبارت‌های دعای ندبه، موارد مرتبط با ساختار مبنا را استخراج و به جهت رعایت حجم مقاله، تنها به «تطبیق و تحلیل» سه مصداق برای هریک از موارد، بسنده کرده است.



نظریه، ارکان و روابط بینامتنی

تأثیرپذیری متون جدید از متون گذشته با نگاهی جامع‌تر و به عنوان یکی از مباحث مهم در علم نشانه‌شناسی، اولین بار توسط *یولیا کریستوا*^۱ در دهه ۱۹۶۰ میلادی در قالب «نظریه بینامتنیت»^۲ به کار برده شد (Kristeva, 1986 (a): p.32). در واقع کریستوا موفق شد از ایده *فردینان دی سوسور*^۳ - از بنیانگذاران علم زبان‌شناسی - مبنی بر آن که زبان، نظامی از نشانه‌هاست (Saussure, 1974: p.6)؛ الهام بگیرد و با تلفیق آموزه‌های اساسی سوسور و *میکائیل باختین*، «نظریه بینامتنیت» را ارائه کند (Allen, 2000: p.11). وجه تفاوت نشانه‌شناسی کریستوایی، در فهم بنیادی او از امر مورد مطالعه در نشانه‌شناسی، یعنی «زبان» است (Kristeva, 1986(b): p.32). البته برخی معتقدند به دلیل اقدامات باختین پیش از کریستوا، باید وی را مبدع پیدایش و گسترش این نظریه دانست (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ص ۱۰).

کریستوا معتقد بود که هر متن، یک فرآوری است (Barthes, 1977: p.36) و نتیجه جذب، در خود کشیدن و دگرگون‌سازی متون دیگر (Kristeva, (a) 1986: p.37). در واقع در هر متن، متون دیگر در سطح متغیر و قابل شناسایی وجود دارند؛ متنی‌هایی که می‌توانند به فرهنگ‌های پیشین متعلق باشند. اهمیت بینامتنیت در این است که نظام نشانه‌ای، متون پیشین را نفی کرده، نظام نشانه‌ای جدیدی تأسیس می‌کند (Kristeva, 1984: p.60).

بینامتنیت، نشان‌دهنده ناحیه تقاطع مرزهای جنسیت، دوره زمانی، مؤلفان، سوژه‌ها، سبک‌های هنری و ملیت‌ها است (Loeb, 2002: p.44). طرفداران نظریه بینامتنیت معتقدند هر متن، بافت جدیدی است که تار و پود آن از نقل قول‌های گذشتگان تشکیل شده است (بروئل، ۱۳۷۸: ص ۳۷۴).

از دیرباز مباحث رابطه میان متون مختلف و تأثیرپذیری متون جدید از متون گذشته در زبان عربی وجود داشته که در قالب‌هایی چون اقتباس، تلمیح، تضمین و نقل قول مطرح بوده است (السعدنی، ۱۹۹۱: ص ۸). بحث بینامتنیت در دنیای عرب با نام «تناس» (مفتاح، ۱۹۸۵: ص ۱۲۱) و در قالب نقد ادبی، رشد و رواج شایسته‌ای یافت. ارکان اصلی بینامتنیت

1. Julia Kristeva
2. Intertextuality
3. Ferdinand de Saussure

شامل «متن حاضر»، «متن پنهان» و «عملیات بینامتنی» است. منظور از «متن حاضر»، همان متنی است که پیش روی خواننده است و خواننده درصدد یافتن تعامل آن، با متون دیگر و منشأ و مرجع این متن است. «متن پنهان»، همان متنی است که به وجود آورنده متن حاضر در اثر خود، نشانه‌هایی از آن را به اشکال مختلف پدیدار می‌نماید. «عملیات بینامتنی» نیز به نحوه انتقال لفظ یا معنا از متن پنهان به متن حاضر می‌پردازد که تبیین آن، مهم‌ترین بخش از نظریه بینامتنی در تفسیر متون است. تشخیص اشارات و نشانه‌های متن غایب و بررسی متن اصلی با توجه به متن غایب و ردیابی روابط موجود بین آن‌ها، با عملیات تناص یا بینامتنی انجام می‌شود. ارتباط میان دو متن حاضر و غایب، یا صریح و آشکار و آگاهانه است و یا غیرصریح و پنهان و کاملاً اتفاقی (موسی، ۲۰۰۰: ص ۵۱-۵۲). در پژوهش حاضر، «قرآن کریم» به عنوان «متن پنهان» و «دعای ندبه»، به عنوان «متن حاضر»، مطرح هستند.

روابط بینامتنی و بازآفرینی متن پنهان یا حضور آن در متن حاضر، بر اساس سه قاعده «اجترار» (نفی جزئی)، «امتصاص» (نفی متوازی) و «حواری» (نفی کلی) صورت می‌پذیرد. در «نفی جزئی»، پدیدآورنده متن حاضر، جزئی از متن غایب (کلمه، جمله یا عبارت) را در متن خود آورده و کمتر به نوآوری می‌پردازد (عزام، ۲۰۰۵: ص ۱۱۶). در «نفی متوازی» - که از نوع گذشته بالاتر است، متن پنهان به گونه‌ای با متن حاضر در هم می‌آمیزد و به کار می‌رود که جوهر آن، تغییر نمی‌کند و وجود کلمات کلیدی، ذهن را به سمت متن غایب، رهنمون می‌سازد (موسی، ۲۰۰۰: ص ۵۵). در «نفی کلی» نیز که بالاترین درجه بینامتنیت است، مؤلف، با خوانشی آگاهانه و عمیق و تسلط بسیار بر متن پنهان، بخشی از آن را در متن خود می‌آورد و بازآفرینی می‌کند؛ به گونه‌ای که گاهی این بازسازی، مخالف معنای متن پنهان بوده و در بیش تر مواقع، معنای متن غایب با معنای متن حاضر، متفاوت است (وعدالله، ۲۰۰۵: ص ۵۲).

بینامتنیت قرآن و دعای ندبه

کسانی که دانش نشانه‌شناسی و بحث بینامتنیت را مطرح کرده‌اند، بر دو نکته اتفاق نظر دارند: یک: هر متن، محصول ترکیب شدن متون پیشین بشری است؛

دو: این ترکیب یافتگی، غالباً تصادفی و از روی عدم آگاهی مؤلف است؛ اما ارتباط میان قرآن به عنوان متن مقدس الهی با متون فرعی‌تر و ادعیه معصومان علیهم‌السلام، به تعمد امام معصوم در استفاده آگاهانه از آموزه‌های قرآنی به منظور نظام بخشی هدفمند به رویکردهای

بینشی، گرایش و کنشی مخاطبان ادعیه ناظر است. لذا می‌توان از ظرفیت چنین دانشی به عنوان تبیین کننده ارتباط متون مقدس و نشان‌دهنده توانایی و هنرمندی امام معصوم علیه السلام در بیان تأثیرگذارتر مقصود خود، بهره برد. بدین منظور، انواع روابط بینامتنی میان دعای ندبه و قرآن کریم بر اساس بینامتنی ترکیبی، واژگانی، مضمونی و شخصیت قرآنی با بسندگی به ذکر سه نمونه برای هر یک به دلیل رعایت حجم مقاله - بررسی می‌گردد:

۱. بینامتنی ترکیبی

در این نوع از روابط بینامتنی، کل یا بخشی از یک آیه قرآن به طور ضمنی در متن حاضر ذکر می‌شود که می‌توان آن را در قالب دو نوع ارائه کرد:

۱-۱. نوع اول: در این نوع، متن قرآن بدون هیچ تغییری در متن حاضر آمده و در همان معنای آیه قرآنی به کار رفته است. این نوع از بینامتنیت در موارد قابل توجهی در دعای ندبه به کار رفته است؛ به عنوان نمونه:

۱-۱-۱. متن حاضر (دعای ندبه): عبارتی از دعای ندبه: «وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بُوِّأَتْهُ مَبْوَأًا صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ وَ جَعَلَتْ لَهُ وَ لَهْمُ ﴿أَوَّلَ بَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ، لَلَّذِي بِيَكَّةَ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾؛ «این کار پس از آن بود که در جایگاه راستی از اهلش جایش دادی و برای او و ایشان نخستین خانه‌ای که برای مردم بنا شد، قرار دادی، که در مکه و خانه‌ای با برکت و مایه راهنمایی برای جهانیان است» (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۲۹۵).

متن پنهان: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِيَكَّةَ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ»؛ «نخستین خانه‌ای که برای مردم [و نیایش خداوند] قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است، که پر برکت و مایه هدایت جهانیان است» (آل عمران: ۹۶).

تحلیل و تبیین: در آیه مذکور، خداوند تأکید می‌کند کعبه - قبله مسلمانان - نخستین خانه توحید و باسابقه‌ترین معبدی است که در روی زمین وجود دارد و هیچ مرکزی پیش از آن، مرکز نیایش و پرستش پروردگار نبوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۳، ص ۹). پیش از عبارت مذکور از دعای ندبه، به سلسله رسولان الهی و دستیابی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به مقام هدایت مردم و نعمت‌های فراوان الهی که خداوند در جهت هدایت عالم هستی، به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عنایت کرده، اشاره شده و در عبارت مذکور تأکید می‌کند که خداوند، اولین خانه‌ای را که برای خدا در زمین بنا شد، نیز به ایشان و آیین ایشان، اختصاص داده است.

تأکید امام در این عبارت ابتدایی دعا، برای توجه دادن مخاطب به برجستگی آخرین دین و پیامبر الاهی است تا با انگیزه و دقت بیش‌تری، بخش‌های بعدی دعا را قرائت کند. قابل ذکر است که مسئله جایگاه و مرجع عبادت، با توجه به فطرت و تاریخ از مبانی زندگی انسان است و تأکید بر آن، گویای تلاش امام برای تأثیرگذاری بیش‌تر کلام است. از نظر بینامتنی، متن پنهان (قرآن) در متن حاضر (دعای ندبه) پذیرفته و با همان لفظ و معنا به کاربرده شده است. بنابراین، رابطه دو متن از نوع «نفی جزئی» است.

۱-۱-۲. متن حاضر (دعای ندبه): در عبارتی از دعای ندبه، خطاب به خداوند بیان می‌گردد: «ثُمَّ جَعَلْتُ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتُ ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾»؛ «سپس در قرآنت پاداش حضرت محمد ﷺ را - که درود تو بر او و خاندانش باد - مودت اهل بیت او قرار دادی و فرمودی: بگو من از شما برای رسالت پاداشی جز مودت نزدیکانم نمی‌خواهم» (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۲۹۵).

متن پنهان: «...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛ «...بگو: «من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم، جز دوست‌داشتن نزدیکانم [=اهل بیتم]» (شوری: ۲۳).

تحلیل و تبیین: در آیه مذکور، خداوند به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد به مردم بیان کند که در برابر زحمت فراوان در اجرای رسالت الاهی و هدایت مردم، هیچ گونه پاداشی از ایشان توقع ندارد، بلکه تنها انتظار دارد که مردم نسبت به اهل بیت آن حضرت، محبت و ورزند. در مورد عبارت مذکور از دعای ندبه نیز، پیش از بیان آن، آیه طهارت اهل بیت ﷺ (احزاب: ۳۳) در متن دعا آمده و در کنار عبارت حاضر، بر محتوای آیه تأکید شده است. تأکید و اشاره امام به یکی از آیات معروف که بر ادامه رابطه میان انسان‌ها و جانشینان پیامبر ﷺ تأکید دارد، مبانی مخاطب دعا را در تبعیت از امام زمان ﷺ تقویت می‌کند تا ضمن قرائت دعا، کاربرست آموزه‌های آن را در زندگی و سعادت خود بر اساس مبانی آموزه‌های قرآنی دانسته و در تداوم خط رهبری نبوی و شریعت الاهی بکوشد. مشخص است که متن پنهان (قرآن) در متن حاضر (دعای ندبه) پذیرفته شده و با همان لفظ و معنا به کار رفته و بنابراین، رابطه دو متن از نوع «نفی جزئی» است.

۱-۱-۳. متن حاضر (دعای ندبه): در بخشی از دعای ندبه آمده است: «إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ ﴿لِلَّهِ يَوْمَئِذٍ مِّنْ شَيْءٍ مِّنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾» «زیرا زمین از آن خداست؛ آن را به هر که



از بندگانش بخواهد به ارث می‌دهد و سرانجام از آن پرهیزکاران است» (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۲۹۶).

متن پنهان: «... إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ...»؛ زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار می‌کند و سرانجام [نیک] برای پرهیزکاران است» (اعراف: ۱۲۸).

تحلیل و تبیین: آیه مذکور وعده پیروزی حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام به قوم بنی‌اسرائیل است که اگر ایشان تقوای الهی را رعایت کنند، در برابر آل فرعون پیروز شده و سرافرازانه به مصر باز خواهند گشت. فحوای آیه، بیانگر سنتی الهی است که بر اساس آن، افرادی که تقوای الهی را رعایت کنند و در شداید صبوری ورزند، به حُسن عاقبت دست خواهند یافت و وارث زمین خواهند بود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۸، ص ۲۲۴). بر اساس روایات (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۵۷۰)، مصداق اتم این آیه، ائمه اطهار و امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام هستند (بروجردی، ۱۳۶۶: ج ۲، ص ۴۴۶) که بر زمین حکمرانی خواهند کرد. امام پس از آن که بر عدم اهتمام عموم انسان‌ها در پیروی از دستور رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره محبت و رعایت حق اهل بیت ایشان اشاره دارد، با تکیه بر آیه مذکور این نگره را در مخاطب بازخوانی می‌کند که قدرت پوشالی دشمنان دین خداوند ماندگار نیست و به رغم تمام این نامالیقات، سرانجام این جهان، با پیروزی و حکمرانی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام به ویژه امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام همراه خواهد بود. تطبیق متن پنهان (قرآن) و متن حاضر (دعای ندبه) گویای آن است که بخشی از آیه قرآن با همان لفظ و معنا در دعای ندبه به کار رفته شده است. بنابراین، رابطه دو متن از نوع «نفی جزئی» است.

۱-۲. نوع دوم:

پدیدآورنده متن حاضر در نوع دوم از بینامتنیت ترکیبی، بخشی از آیه قرآنی را با ساختاری تغییر یافته در لایه صرفی یا نحوی، در سخن خود به کار می‌گیرد و با افزودن، کاستن، تغییر و یا تأخیر، در ساختار دخل و تصرف می‌کند. بخشی از بینامتنیت قرآن با دعای ندبه، بر مبنای کاربست ساختارهای قرآنی تغییر یافته در عبارتهای دعا است؛ مانند:

۱-۲-۱. **متن حاضر (دعای ندبه):** در عبارتی از دعای ندبه آمده است: «لَا [لَيْلًا] يَقُولَ أَحَدٌ لَوْ لَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا وَأَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا هَادِيًا فَنتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَنْزِلَ وَ نُخْزَى؛ کسی نگوید چه می‌شد اگر برای ما پیامبری بیم‌دهنده می‌فرستادی و پرچم هدایت برای ما

برپا می‌کردی تا بر این اساس از آیات پیروی می‌کردیم، پیش از آن که خوار و رسوا شویم» (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۲۹۵).

متن پنهان: ﴿وَلَوْ أَنَا أَهْلَكُنَاكُمْ بَعْدَ مَا مِن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْ لَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فُتِّبِعَ آيَاتِكَ مِن قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى﴾؛ «اگر ما آنان را پیش از آن [که قرآن نازل شود] با عذابی هلاک می‌کردیم، [در قیامت] می‌گفتند: پروردگارا! چرا پیامبری برای ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم، پیش از آن که ذلیل و رسوا شویم!» (طه: ۱۳۴).

تحلیل و تبیین: فحوای آیه مذکور گویای اتمام حجت با مشرکان به وسیله رسالت پیامبر ﷺ و نزول قرآن است (مغنیه، ۱۴۲۴: ج ۵، ص ۲۵۷) تا راه هر گونه عذر و بهانه بر ایشان بسته شود (شاذلی، ۱۴۱۲: ج ۴، ص ۲۳۵۸) و بایسته‌های لازم در خصوص مسائلی که به آن‌ها باید ملتزم و مطیع باشند، در اختیارشان قرار گیرد (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ج ۱۵، ص ۱۸۰) تا هنگام عذاب، مدعی نشوند که از مسیر و راهبر حق، اطلاعی نداشتند. امام در این عبارت از دعای ندبه به دنبال ارتقای اطمینان مخاطب نسبت به در دسترس بودن راهنمایان الهی است تا او را بر این نکته واقف سازد که سنت الهی همواره بر آن است که با فراهم کردن تمام زمینه‌های هدایت، راه هر گونه عذر و بهانه را بر انسان‌ها بسته و با ایشان، اتمام حجت کند. از نظر روابط بینامتنی مشاهده می‌گردد که پدیدآورنده دعای ندبه (متن حاضر) با تغییر عبارت آیه از «لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْ لَا» به عبارت «لَا [لَيْتَلَا] يَقُولَ أَحَدٌ لَوْ لَا» در دعا و همچنین با اضافه کردن بخش «مُنْذِرًا وَ أَقَمْتَ لَنَا عَلَمًا هَادِيًا» در میان آیه مذکور از قرآن، آن را با ترکیبی جدیدی به کار برده است. بنابراین، رابطه دو متن از نوع «نفی متوازی» است.

۱-۲-۲. متن حاضر (دعای ندبه): در عبارتی از دعای ندبه آمده است: «و وَعَدْتَهُ أَنْ تُظْهِرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ و به او وعده دادی که دینش را بر همه دین‌ها پیروز گردانی گرچه مشرکان را خوش نیاید» (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۲۹۵).

متن غایب: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾؛ او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد؛ هر چند مشرکان کراهت داشته باشند» (توبه: ۳۳ و صف: ۹).

تحلیل و تبیین: آیه مذکور گویای وعده‌ای الهی است، مبنی بر این که، رسول خدا ﷺ و دین اسلام بر تمام ادیان و پیروان سایر ادیان، پیروز می‌شوند (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۲،



ص ۲۶۵). البته برخی افراد در اظهار دیدگاه خود به جنبه «اظهار» دین اسلام بر پیروان سایر ادیان و مخفی نبودن آن از ایشان - و نه غلبه کامل - بسنده کرده‌اند (بغوی، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۳۴۰). به هر حال بر اساس سیاق آیه، باید پیروزی و غلبه مذکور را مطلق دانست، یعنی روزی فرا می‌رسد که اسلام هم از نظر ارائه بر دیگران و هم از نظر منطق و استدلال و هم از نظر نفوذ ظاهری و حکومت، بر تمام ادیان جهان، پیروز می‌شود و همه جوامع را تحت الشعاع خویش قرار خواهد داد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۷، ص ۳۷۲)؛ که البته بر اساس روایات شیعی، آن روز با ظهور امام زمان علیه السلام محقق می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵، ص ۳۸). امام در این عبارت نیز درصدد است تا مخاطب دعا را از تردیدهایی که ناشی از ضعف نوع انسان و تمایل او به لذت‌های زودگذر است، رها سازد و پس از آن که در عبارت پیشین به حمایت همه جانبه خداوند از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره کرده است، این وعده الهی را متذکر شود که خداوند به رغم تمایل مشرکان، دین اسلام را بر تمامی ادیان پیروز خواهد کرد که این امر، از سوی امام زمان علیه السلام به سامان خواهد رسید. از نظر روابط بینامتنی مشاهده می‌گردد که پدیدآورنده دعای ندبه (متن حاضر) با تغییر فعل آیه از صیغه غایب «لِيُظْهِرَهُ» به صیغه مخاطب «أَنْ تُظْهِرَ» در دعا و همچنین با اضافه کردن واژه «دِينَهُ» پس از آن، عبارت مذکور را با تغییری اندک و ترکیبی جدیدی به کار برده؛ بنابراین، رابطه دو متن از نوع «نفی متوازی» است.

۱-۲-۳. متن حاضر (دعای ندبه): در عبارتی از دعای ندبه آمده است: «وَيَقَاتِلُ عَلَى التَّوِيلِ وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ؛ و براساس تأویل قرآن جنگ می‌کرد و درباره خدا سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای را به خود نمی‌گرفت» (ابن مشهدی، ۱۴۰۹: ص ۵۷۷).
 متن پنهان: «... يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»؛ «... آنها در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند» (مأئده: ۵۴).

تحلیل و تبیین: بر اساس آیه مذکور، شأن جهاد در راه نصرت دین خداوند، ثبات قدم و نداشتن ترس و واهمه است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۲، ص ۳۸۲) و این معنی، به‌ویژه در جریان مجاهدت مستمر که به صورت کمی و کیفی و ظاهری و معنوی ادامه پیدا می‌کند، بیش‌تر دیده می‌شود؛ زیرا سرزنش کردن در بیش‌تر موارد، در صورت استمرار عمل و سعی فراوان و اصرار و دقت در برنامه، ظاهر می‌شود (مصطفوی، ۱۳۸۰: ج ۷، ص ۱۲۴). با تأملی در روایات تفسیری مشخص می‌شود که این آیه در مورد حضرت علی علیه السلام در فتح خیبر، یا مبارزه با

آتش‌افروزان جنگ جمل، سپاه معاویه و خوارج، نازل شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۴، ص ۴۱۷). امام در این عبارت از دعا، از خصلت اساسی فطرت انسان که به دنبال الگوهای برجسته است، بهره برده و فضایل امام علی علیه السلام در مسیر بندگی و پرستش خداوند را یادآور می‌شود تا مخاطب دعا بداند که صرف ادعای پیروی از آن حضرت کافی نیست، بلکه باید مانند ایشان که در رکاب پیامبر جهاد می‌کرد؛ وی نیز همراه فرزند ایشان - امام زمان علیه السلام - در مسیر تحقق آموزه‌های راستین قرآن جهاد کند و مقابل دشمنان بایستد و به سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای توجه نکند. از نظر روابط بینامتنی، پدیدآورنده دعای ندبه (متن حاضر) با تغییر فعل آیه از «لَا يَخَافُونَ» به فعل «لَا تَأْخُذُهُ» در دعا و همچنین با اضافه کردن عبارت «فِي اللَّهِ» در میان آیه مذکور از قرآن، آن را با ترکیبی جدید به کار برده است. بنابراین، رابطه دو متن از نوع «نفی متوازی» است.

۲. بینامتنی واژگانی

از مهم‌ترین نمونه‌های بینامتنی با قرآن کریم، «بینامتنی واژگانی» است که منظور از آن، اقتباس واژگانی است که از طریق ظاهر یا معنا در متن نویسنده آشکار می‌شود. می‌توان قرآن را مهم‌ترین منبع واژگانی عبارت‌های مختلف دعای ندبه دانست. به عنوان نمونه:

۱-۲. متن حاضر (دعای ندبه): در بخشی از دعای ندبه آمده است: «سَأَلْكَ لِسَانَ صِدِّقٍ فِي الْآخِرِينَ فَأَجَبْتَهُ وَ جَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا؛ و از تو نام نیک، در میان آیندگان را درخواست کرد و تو درخواست او را اجابت و نامش را بلند آوازه کردی» (ابن مشهدی، ۱۴۰۹: ص ۵۷۴).
 متن پنهان: «وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَ جَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدِّقٍ عَلِيًّا؛ و از رحمت خود به آنان عطا کردیم و برای آن‌ها نام نیک و مقام برجسته‌ای [در میان همه امت‌ها] قرار دادیم» (مریم: ۵۰).

تحلیل و تبیین: آیه مذکور، به دعای حضرت ابراهیم علیه السلام اشاره دارد (شعراء: ۸۴)؛ که بر اساس آن، درخواست دارد تا یاد ایشان در خاطره‌ها بماند و آن حضرت، الگویی باشد که دیگران به وی اقتدا کنند و پایه‌گذار مکتبی باشد که به وسیله آن، راه خداوند را بیاموزند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۵، ص ۲۶۲). به نظر می‌رسد که در عبارت مذکور از دعای ندبه، امام به دنبال استفاده از کلیدواژه‌های آیه مذکور برای تأکید بر این نکته است که اهل بیت علیهم السلام و به ویژه امام عصر علیه السلام، جلوه‌ای از همان دعای اجابت شده حضرت ابراهیم علیه السلام

هستند؛ زیرا با توجه به انتساب پیامبر ﷺ و اهل بیت ایشان به حضرت ابراهیم علیه السلام و سرآمدی نام ایشان تا قیامت، نام نیک حضرت ابراهیم علیه السلام نیز جاودان خواهد ماند. این نکته می‌تواند مخاطب دعا را به این نکته رهنمون سازد که در نظام الهی، نام افرادی که در مسیر حق کوشیده‌اند، فنا شدنی نیست. از نظر روابط بینامتنی مشاهده می‌گردد که واژه‌های «لسان صدق» و «علیا» از متن پنهان در متن حاضر به کار رفته و این بینامتنیت از نوع «نفی متوازی» است.

۲-۲. متن حاضر (دعای ندبه): در عبارتی از دعای ندبه آمده است: «أَيُّ أَرْضٍ تُقَلِّكَ أَوْ ثَرَى أَوْ بَرَصَوَى أَوْ غَيْرِهَا أَمْ ذِي طُوًى؛ [ای کاش می‌دانستم] کدام زمین تو را برداشته، یا به چه سرزمینی! آیا در کوه رضوایی یا در غیر آن، یا در زمین ذی طوایی؟» (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۲۹۹).

متن پنهان: «إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى؛ من پروردگار توام! کفش‌هایت را بیرون آر، که تو در سرزمین مقدس «طوی» هستی!» (طه: ۱۲)

تحلیل و تبیین: در عبارت مذکور از دعای ندبه، مخاطب دعا به ابراز ناراحتی از دوری از امام زمان علیه السلام می‌پردازد و خطاب به آن حضرت، اطلاع از مکان اقامت آن امام را آرزو می‌کند تا بتواند این جدایی از ایشان را پایان بخشد. به نظر می‌رسد امام در این عبارت با توجه به آشنایی ذهنی مخاطب با مکان‌های مقدس مورد اشاره در قرآن؛ وی را به پیجویی امام زمان علیه السلام در مکان‌های مقدس ترغیب می‌کند تا حضور و ارتباط با آن مکان‌های مقدس موجب تعالی مخاطب شود. همچنین همان‌طور که آغاز رسالت و مأموریت الهی حضرت موسی علیه السلام در وادی طوی بود، این دعا و آرزو را در مخاطب بارورتر کند که ان‌شاءالله به زودی، آغاز مأموریت الهی امام زمان علیه السلام نیز به ایشان ابلاغ شود. مشاهده می‌گردد که پدیدآورنده دعای ندبه واژه «طوی» را از قرآن (متن پنهان) و به منظور اشاره به مکان مقدسی که از آن خداوند است، به کار گرفته که این بینامتنیت از نوع «نفی متوازی» است.

۳-۲. متن حاضر (دعای ندبه): در عبارت پایانی دعای ندبه آمده است: «وَأَسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَأْسِهِ وَبِيدِهِ رِيًّا رَوِيًّا هَبِيئًا سَائِغًا لَا ظَمًا بَعْدَهُ؛ و از حوض جدش (درد خدا بر او و خاندانش) با جام او و به دست او، سیرابمان کن، سیراب‌شدنی کامل و گوارا و خوش که پس از آن تشنگی نباشد» (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۲۹۹).

متن پنهان: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»؛ [به آن‌ها گفته می‌شود: بخورید و بیاشامید گوارا! این‌ها در برابر اعمالی است که انجام می‌دادید] (طور: ۱۹ و مرسلات: ۴۳)؛ «كُلُوا وَ اشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ»؛ [و به آنان گفته می‌شود: بخورید و بیاشامید؛ گوارا در برابر اعمالی که در ایام گذشته انجام دادید!] (حاقه: ۲۴)؛ «وَ إِن لَّكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةٌ نُّسَقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبِنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ»؛ و در وجود چهارپایان، برای شما [درس‌های] عبرتی است: از درون شکم آن‌ها، از میان غذاهای هضم شده و خون، شیر خالص و گوارا به شما می‌نوشانیم!» (نحل: ۶۶).

تحلیل و تبیین: در عبارت مذکور از دعای ندبه، مخاطب در انتهای دعا از خداوند، کسب این توفیق را درخواست می‌کند تا از حوض کوثر بهشتی و از دست‌ان پیامبر ﷺ، از آن نوشیدنی کامل و گوارا بنوشد و بهره‌مند گردد. آیات اول و دوم مذکور نیز به این نکته اشاره دارد که بهشتیان را به خوردن و آشامیدن از نعمت‌های گوارای بهشتی دعوت می‌کنند. عامل اصلی این گوارایی، آن است که آن نعمت‌ها، فضولات، مرض، کسالت و خستگی را در در انسان تولید نمی‌کند (طیب، ۱۳۷۸: ج ۱۳، ص ۱۷۰)؛ البته قیدهایی «بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» و «بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ»، گویای آن است که این مواهب را بدون حساب به کسی نمی‌دهند و این‌ها با ادعا و خیال و پندار به دست نمی‌آیند، بلکه این مواهب تنها به وسیله اعمال صالح فراهم می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۵، ص ۴۲۷). آیه سوم نیز به شیر چارپایان اشاره دارد که نعمتی الهی و گوارا است و به دلیل خلوصش، دارای فواید ارزشمند و لذت برانگیز است و به دلیل گوارایی، طبع انسان آن را می‌پسندد (مدرسی، ۱۴۱۹: ج ۶، ص ۸۸). امام در این عبارت از دعا، درصد افزایش انگیزش و بُعد بینشی مخاطب دعا در مورد معاد و مشاهده نتایج اعمال شایسته است تا فرد بداند تلاش‌های او در مسیر پیروی از امام زمان ﷺ نتایجی گوارا و لذتبخش را برای او خواهد داشت. پدیدآورنده دعای ندبه واژه‌های «هَنِيئًا» و «سَائِغًا» را از قرآن (متن پنهان) و به منظور اعلام گوارایی، خلوص و لذتبخش بودن شراب بهشتی حوض کوثر، به کار گرفته که این بینامتنیت از نوع «نفی متوازی» است.

۳. بینامتنی مضمونی

برجسته‌ترین نکته در انواع گونه‌های پیشین، محوریت لفظ در زمینه حضور متن غایب در متن حاضر است؛ اما در بینامتنی مضمونی، پدیدآورنده متن حاضر با نظر به مضامین قرآنی،



مفاهیم آن را به گونه‌ای در الفاظ و تعابیر خود بیان می‌کند که برداشت اولیه مخاطب، حاکی از عدم ذکر صریح و حضور لفظی محسوس قرآن است. بخشی از مضامین دعای ندبه بر اساس بینامتنیت مضمونی با قرآن کریم سامان یافته است. به عنوان نمونه:

۱-۳. متن حاضر (دعای ندبه): در عبارتی از دعای ندبه خطاب به خداوند آمده است: «اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَ الْبُلْوَى وَ إِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعُدْوَى؛ خدایا! تو برطرف کننده سختی‌ها و حوادث ناگواری، از تو یاری می‌طلبم که یاری و کمک تنها نزد توست» (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۲۹۵).

متن پنهان: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ...»؛ آیا کسی که دعای مضطر را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد و شما را خلفای زمین قرار می‌دهد؛ آیا معبودی با خداست؟! کم‌تر متذکر می‌شوید!» (نمل: ۶۲).

تحلیل و تبیین: آیه مذکور، پرسشی است که وجدان انسان را خطاب قرار می‌دهد: چه کسی است که وقتی که خطر تو را احاطه کرده (مدرسی، ۱۴۱۹: ج ۹، ص ۲۱۸)؛ یا مریضی، فقر و بلایی بر تو نازل شده، به او پناه می‌بری؟ (قاسمی، ۱۴۱۸: ج ۷، ص ۵۰۰). این واقعیت به عنوان «احساسی فطری» در درون جان همه انسان‌ها است؛ حتی بت پرستان، هنگامی که در میان امواج خروشان دریا گرفتار می‌شوند، تمام معبودهای خود را فراموش کرده، به دامن لطف خداوند دست می‌زنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۵، ص ۵۱۷). در عبارت مذکور از دعای ندبه، امام توجه مخاطب را به برطرف کننده حقیقی تمامی مشکلات جلب می‌کند تا مخاطب بداند که تمام ناگواری‌های مسیری‌بندی و سختی‌های ناشی از دوری از امام زمان علیه السلام، تنها با اراده خداوند گوارا خواهد شد. بنابراین، در متن حاضر، مضمون پناهگاه بودن و لطف خداوند در برطرف کردن ناگواری‌ها که در متن پنهان آمده، با الفاظی متفاوت توسط پدیدآورنده دعای ندبه، مطرح شده که این بینامتنیت از نوع «نفی متوازی» است.

۲-۳. متن حاضر (دعای ندبه): در بخش ابتدایی از دعای ندبه خطاب به خداوند آمده است: «وَ جَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ [الذَّرَائِعَ] إِلَيْكَ وَ الْوَسِيلَةَ إِلَي رِضْوَانِكَ؛ و ایشان را دست آویز به سویت و وسیله به جانب خشنودیت قرار دادی» (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۲۹۵).

متن پنهان: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید! و وسیله‌ای برای

تقرب به او بجوید! و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید!» (مأده: ۳۵).

تحلیل و تبیین: منظور از «وسیله» در آیه مذکور، اطاعت از خداوند و عمل به هر چیزی است که مورد رضایت وی اوست (سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۲۸۰)؛ اما مصداق اتم آیه، پیروی از فرستادگان الهی به ویژه امام معصوم است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۳۳). در عبارت مذکور از دعای ندبه، امام بر این نکته تأکید دارد که از جمله مهم‌ترین واسطه و وسایل نیل به قرب الهی که خداوند در قرآن به دستیابی به آن‌ها فرمان داده، اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه امام زمان علیه‌السلام است و پیروی از ایشان، مخاطب دعا را به کمال و رضایت الهی می‌رساند. بنابراین، در متن دعای ندبه، به عنوان متن حاضر، مضمون دستیابی به وسیله‌ای برای تقرب به خداوند و پیروی از فرستادگان الهی، با الفاظی متفاوت توسط پدیدآورنده دعای ندبه، مطرح شده که این بینامتنیت از نوع «نفی متوازی» است.

۳-۳. **متن حاضر (دعای ندبه):** در بخشی از دعای ندبه خطاب به خداوند آمده است: «وَأَوْطَأَتْهُ مَشَارِكِكَ وَمَعَارِبِكَ وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ وَعَرَجْتَ بِهِ إِلَيَّ سَمَائِكَ؛ و مشرق‌ها و مغرب‌ها را زیر پایش گذاردی و براق را برایش مسخر ساختی و آن شخصیت بزرگ را به آسمان بالا بردی» (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۲۹۵).

متن پنهان: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا...»؛ پاک و منزّه است خدایی که بنده‌اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصا - که گرداگردش را پربرکت ساخته‌ایم - برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم» (اسراء: ۱).

تحلیل و تبیین: آیه مذکور به سفر شبانه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اشاره می‌کند که سوار بر «براق» از مسجدالحرام به بیت المقدس رفت (تعابلی، ۱۴۱۸: ج ۳، ص ۴۴۹). این امر که مقدمه‌ای برای معراج بود، گویای تجلی اوج قدرت، توانایی، عظمت و دانایی خداوند است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۳، ص ۸). البته باید در نظر داشت که معراج پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، معراج جسمانی بوده و این امر از ضروریات دین اسلام و مورد اتفاق تمام فرقه‌های اسلامی است (طیب، ۱۳۷۸: ج ۸، ص ۲۱۶). امام در این بخش از دعا، مخاطب را بار دیگر به برگزیدگی و نعمت‌هایی که به هیچ کس جز پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هدیه نشده، اشاره دارد تا ضمن افزایش بینش او برای پیروی از سیره ایشان، کارکردهای گرایشی او را تقویت کند و برای محافظت از مخاطب دعا در برابر



شبهه‌های ناظر به توهم آسیب‌مندی اسلام و پیامبر، زمینه‌هایی ایجاد کند. بنابراین، در متن دعای ندبه، مضمون معراج پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، با الفاظی متفاوت توسط پدیدآورنده دعای ندبه، مطرح شده که این بینامتنیت از نوع «نفی متوازی» است.

قابل ذکر است، اشتباه در استنساخ در برخی از نسخه‌های دعا که «عَرَجَتْ بِه» را به «عَرَجَتْ بِرُوحه» تغییر داده؛ شبهه نفی معاد جسمانی را در دعای ندبه را پدید آورده است؛ در حالی که با مراجعه به نسخه‌های خطی و نفیس از کتاب «مزار» ابن‌مشهدی، مشخص می‌گردد که در آن «عَرَجَتْ بِه» ثبت شده و برخی از جمله‌های دعا مانند «وَأَوْطَأَتْهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ» و «وَسَخَّرَتْ لَهُ الْبُرَاقَ» نیز مؤید معراج جسمانی است (ابن‌مشهدی، ۱۴۰۹: ص ۵۷۵). بر فرض صحت نسخه «و عرجت بروحه» این جمله دلالت بر صرف معاد روحانی ندارد؛ بلکه از باب «استخدام لفظ موضوع برای جزء و اراده کل»، هر دو معراج جسمانی و روحانی را دربر می‌گیرد؛ زیرا گاهی کلمه «روح» را در معنای «جسم با روح» به کار می‌برند؛ به جهت ارتباط بین حال و محل یا علاقه ملابست که بین آن دو وجود دارد (طهرانی، ۱۳۷۶: ص ۱۷۰).

۴. بینامتنی شخصیت قرآنی

در این گونه از بینامتنیت، پدیدآورنده متن حاضر، با نشانه یا اشاره‌ای کوتاه به برخی اشخاص یا حوادث و قصص قرآن و با استفاده از محدود واژگانی از متن غایب، مخاطب را به فضای داستان می‌برد. این گونه بینامتنیت در برخی از عبارت‌های دعای ندبه، نمود برجسته‌ای دارد؛ مانند:

۳-۴-۱. متن حاضر (دعای ندبه): در عبارتی از دعای ندبه آمده است: «وَبَعْضٌ اتَّخَذَتْهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلاً؛ و بعضی را برای خود دوست صمیمی گرفتی» (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۲۹۵).

متن پنهان: «وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا»؛ و آیین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کند، و نیکوکار باشد، و پیرو آیین خالص و پاک ابراهیم گردد؟ و خدا ابراهیم را به دوستی خود، انتخاب کرد» (نساء: ۱۲۵).

تحلیل و تبیین: در آیه مذکور به حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ و پذیرش درخواست آن حضرت مبنی

بر دستیابی به مقام «خلیلی الاهی» به دلیل کوشایی ایشان در مسیر رضای الاهی، اشاره شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۴، ص ۱۴۶). امام در صدد است توجه مخاطب دعا را به برجستگی‌های راهنمایان الاهی جلب کند تا مخاطبان دریابند که انتخاب ایشان کاملاً عادلانه و حکمت آمیز بوده، تا بدان جا که ابراهیم علیه السلام با توجه به صفای باطن و عمل به دستورهای خداوند، به عنوان دوست خاص پروردگار معرفی شده است. در عبارت مذکور از دعای ندبه، مضمون آیه با الفاظ دیگری مورد اشاره قرار گرفته است. بنابراین، رابطه پیامتیت دو متن، از نوع «نفی متوازی» است.

۳-۴-۲. متن حاضر (دعای ندبه): در عبارتی از دعای ندبه خطاب به خداوند آمده است: «بَعْضُ كَلِمَتِهِ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيمًا؛ و با بعضی از میان درخت به گونه خاصی سخن گفتمی» (ابن مشهدی، ۱۴۰۹: ص ۵۷۵).

متن پنهان: «تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَ رَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ...»؛ بعضی از آن رسولان را بر بعضی دیگر برتری دادیم برخی از آن‌ها، خدا با او سخن می‌گفت و بعضی را درجاتی برتر داد...» (بقره: ۲۵۳)؛ «و رُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَ رُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَ كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا»؛ و پیامبرانی که سرگذشت آن‌ها را پیش از این، برای تو باز گفته‌ایم و پیامبرانی که سرگذشت آن‌ها را بیان نکرده‌ایم و خداوند با موسی سخن گفت [و این امتیاز، از آن او بود.]» (نساء: ۱۶۴)؛ «فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»؛ هنگامی که به سراغ آتش آمد، از کرانه راست دره، در آن سرزمین پر برکت، از میان یک درخت ندا داده شد که ای موسی! منم خداوند، پروردگار جهانیان! (قصص: ۳۰).

تحلیل و تبیین: آیات مورد اشاره در متن پنهان درباره سخن گفتن خداوند با حضرت موسی علیه السلام است که در واقعه گم شدن ایشان در بیابانی در کنار کوه طور به وقوع پیوست. آن حضرت با دیدن آتش و به امید کسب کمک برای خود و همراهانش به سمت آن آتش - در واقع نور - رفته و از میان درختی که در آن جا قرار داشت، سخن خداوند: «أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»؛ را شنید (شاذلی، ۱۴۱۲: ج ۵، ص ۲۶۹۲). در این عبارت دعا نیز، مخاطب با مقام والای انبیای الاهی آشنا می‌شود و در می‌یابد که موسی علیه السلام به چنان جایگاهی دست یافت که خداوند با ایشان از ورای حجاب سخن گفت و آغاز رسالت وی را در وادی «طوی»



ابلاغ فرمود. بنابراین، رابطه بیامتنیت دو متن، از نوع «نفی متوازی» است.
 ۳-۴. متن حاضر (دعای ندبه): در عبارتی از دعای ندبه آمده است: «وَبَعْضٌ أَوْلَدَتْهُ مِنْ غَيْرِ آبٍ؛ بعضی را بدون پدر به وجود آوردی» (ابن مشهدی، ۱۴۰۹: ص ۵۷۵).
متن پنهان: «﴿قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا﴾؛ گفت: چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد؟! در حالی که تا کنون انسانی با من تماس نداشته و زن آلوده‌ای هم نبوده‌ام؟!» (مریم: ۲۰).

تحلیل و تبیین: آیه مذکور به واقعه باردار شدن حضرت مریم علیها السلام اشاره می‌کند، مبنی بر این‌که مریم به اذن خداوند و از راهی غیرطبیعی به حضرت عیسی علیه السلام باردار شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۳، ص ۳۵). در عبارت مذکور از دعای ندبه، امام بر قدرت مطلق خداوند اشاره می‌کند تا مخاطب به این نگرش دست پیدا کند که هیچ قدرتی جز خداوند در جهان وجود ندارد و هرگاه مصلحت خداوند در جهت هدایت بندگان، اقتضا کند، خداوند قوانین و سنت‌های معمول جهان را بر هم می‌زند. پس در مسیر انتظار و پیروی امام زمان علیه السلام باید با اتکال به قدرت لایزال الهی کوشش کرد و حتی در حوادث ناممکن به عنایت الهی، امید داشت. رابطه بیامتنیت دو متن، از نوع «نفی متوازی» است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور مطالعه موردی، در خصوص تبیین روابط بینامتنی قرآن کریم و دعای ندبه - با تبیین اعتبار سندی و محتوایی - بر پایه «نظریه بیامتنیت» صورت پذیرفت. علت انتخاب نظریه مذکور، زمینه‌ساز بودن آن در افزایش افق اندیشه‌ای مخاطب در جهت غنابخشی به نگرش او در مورد خاستگاه الهی متون دینی است. بر اساس نگرش بینامتنی، میان قرآن کریم و دعای ندبه انواع روابط بینامتنی شامل بینامتنی ترکیبی، واژگانی، مضمونی و شخصیت‌های قرآنی، برقرار است که پرکاربردترین آن‌ها، بینامتنیت «ترکیبی» و «مضمونی» است. بیش‌تر این تعاملات، آگاهانه و در قالب قاعده «نفی متوازی»؛ است، یعنی پدیدآورنده دعای ندبه، آموزه‌های قرآن را به گونه‌ای در این دعا به کار برده که جوهر آن تغییر نکرده است.

بر مبنای تحلیل روابط بینامتنی میان دعای ندبه و قرآن کریم - با عنایت بر قرائنی مانند موارد مشابه از روابط بینامتنی قرآن کریم و سایر دعاها و خطبه‌های اهل بیت علیهم السلام - می‌توان

افقی کلان درباره ارتباط قرآن و اهل بیت علیهم السلام مبتنی بر حدیث شریف ثقلین ترسیم کرد. بر اساس افق مذکور، میان قرآن و عترت علیهم السلام ارتباط تنگاتنگی وجود دارد و می‌توان تفکیک ناپذیری قرآن و سنت اهل بیت پیامبر علیهم السلام در لفظ و معنا را ادعا کرد. این نکته گویای آن است که اهل بیت علیهم السلام به عنوان جانشینان راستین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، همواره بر آموزه‌های قرآنی (لفظ و محتوا) عنایت داشته و تجلی آموزه‌های مذکور به عنوان مبنا و محور در سیره گفتاری و نوشتاری ایشان، متجلی است. در این دعا، امام معصوم از محتوای آیات، افزون بر الفاظ قرآن کریم، بهره‌های فراوان برده است تا مقصود خود را جذاب‌تر و تأثیرگذارتر بیان کند.



منابع

قرآن کریم

۱. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق). *إقبال الأعمال*، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۲. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق). *المزار الكبير*، تصحیح: جواد قیومی اصفهانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه موسسه البعثه، تهران، بنیاد بعثت.
۴. بروجردی، سید محمد ابراهیم (۱۳۶۶). *تفسیر جامع*، چاپ ششم، تهران، صدر.
۵. بروئل، پیرو و دیگران (۱۳۷۸). *تاریخ ادبیات فرانسه*، ترجمه: نسربین خطاط، مهوش قویمی، تهران، سمت.
۶. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق). *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۷. تهرانی، میرزا ابوالفضل (۱۳۷۶). *شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور*، تهران، مرتضوی.
۸. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸ق). *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: محمدعلی معوض، عادل احمد عبدالموجود، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۲). *أمل الأمل فی علماء جبل العامل*، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۱۰. حلی، حسن بن علی بن داود (۱۳۴۲). *الرجال*، تهران، دانشگاه تهران.
۱۱. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). *معجم رجال الحدیث*، قم، مرکز نشر آثار شیعه.
۱۲. رحمان ستایش، محمد کاظم (۱۳۸۵). *آشنایی با کتب رجالی شیعه*، تهران، سمت.
۱۳. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، چاپ سوم، بیروت، دار الکتب العربی.
۱۴. ستوده نیا، محمدرضا، محققان، زهرا (بهار و تابستان ۱۳۹۵). *بینامتنی قرآن کریم با صحیفه سجادیه*، دوفصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش های زبان شناختی قرآن، شماره ۹.
۱۵. السعدنی، مصطفی (۱۹۹۱ق). *التناص الشعری قراءة أخرى لقضية السرقات*، اسکندریه، توزیع منشأة المعارف.
۱۶. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۷. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم (۱۴۱۲ق). *فی ظلال القرآن*، چاپ هفدهم، بیروت - قاهره، دارالشروق.

۱۸. صدوق، محمدبن علی (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمة*، محقق: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، تهران، اسلامیه.
۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۲۱. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۴ق). *الأمالی*، تصحیح: مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة.
۲۲. طبیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلام.
۲۳. عزام، محمد (۲۰۰۱م). *نص الغائب*، دمشق، اتحاد الکتاب العرب.
۲۴. فخر رازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۵. فضل الله، سید محمدحسین (۱۴۱۹ق). *تفسیر من وحی القرآن*، چاپ دوم، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر.
۲۶. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*، تحقیق: حسین اعلمی، چاپ دوم، تهران، انتشارات الصدر.
۲۷. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۲۹ق). *الکافی*، قم، دار الحدیث.
۲۸. مازندرانی حائری، محمدبن اسماعیل (۱۴۱۶ق). *منتهی المقال فی احوال الرجال*، قم، موسسه آل بیت علیه السلام لاحیاء التراث.
۲۹. مامقانی، عبدالله (۱۴۲۸ق). *مقیاس الهدایة فی علم الدرایة*، تحقیق: محمدرضا مامقانی، قم، دلیل ما.
۳۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*، تصحیح: محققان، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۱. _____ (۱۴۲۳ق). *زاد المعاد*، تصحیح: علاءالدین اعلمی، بیروت، موسسه الأعلمی للمطبوعات.
۳۲. مدرسی، سید محمد تقی (۱۴۱۹ق). *من هدی القرآن*، تهران، دار محبی الحسین.
۳۳. مسبوق، سید مهدی (زمستان ۱۳۹۲). *روابط بینامتنی قرآن با خطبه های نهج البلاغه*، فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء علیها السلام، شماره ۲۰.
۳۴. مصطفوی، حسن (۱۳۸۰). *تفسیر روشن*، تهران، مرکز نشر کتاب.
۳۵. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق). *تفسیر الکاشف*، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۳۶. مفتاح، محمد (۱۹۸۵م). *تحلیل الخطاب الشعری*، بیروت، دارالتنویر للطباعة و النشر.

۳۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتاب الاسلامیه.
۳۸. موسی، خلیل (۲۰۰۰م). *قراءات فی الشعر العربی الحدیث و المعاصر*، دمشق، اتحاد الکتاب العرب.
۳۹. میرباقری، مهدی (پاییز ۱۳۸۰). *مروری بر دعای ندبه*، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۱.
۴۰. نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۰). *درآمدی بر بینامتنیت؛ نظریه‌ها و کاربردها*، تهران، سخن.
۴۱. نجاشی، احمدبن علی (۱۳۶۵). *رجال*، چاپ ششم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین.
۴۲. وعده‌الله، لیدیا (۲۰۰۵م). *التناص العرض فی شعر عزالدین المناضرة*، بی‌جا، دارالمندولای.
43. Allen, Geraham (2000). **Intertextuality**, first published by Rutledge.
44. Barthes, B (1977). *The Death of the Author*, in *Image-Music-Text*, transl. Richard Haword, New York: Hill and Wang.
45. Kristeva, Julia (1986a). *Semiotics: A Critical Science and/or a Critique of Science*, In *The Kristeva Reader t*. Ed. Toril Moi, Oxford: B. Blackwell, pp. 75-88.
46. ----- (1986b). **The System and the Speaking subject, In The Kristeva Readert**. Ed. Toril Moi, Oxford: B. Blackwell, pp. 24-33.
47. ----- (1984). *Revolution in Poetic Language*. Trans. Leons. Roudiez. New York: Columbia University Press
48. Loeb, Monica (2002). **Literary marriages: a study of intertextuality in a series of short stories by Joyce Carol Oates**, Bern; Berlin; Bruxelles; Frankfurt am Main; New York; Oxford; Wien: Lang.
49. Saussure .F. de. (1974) **Course in General Linguistics** .London: Duckworth.